



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

درس دہم

سورہ مبارکہ ضحٰی

درک نیاز بہ پیامبر و اطمینان بہ وحی

نظام خلقت هر لحظه به تابش خورشید از عالم بالا و فیوضات بی‌نهایت آن محتاج است و چنانچه جهان لحظه‌ای از فیض وجود او بی‌بهره شود محو و نابود خواهد شد. به همان اندازه که به شب و راکد شدن تاریکی و آرامش او محتاج است.

### مطالعه سوره مبارکه ضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند هستی بخش مهربان
وَ الضُّحَى (۱)	سوگند به روز روشن.
وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى (۲)	و سوگند به شب هنگامی که آرام می‌گیرد.
مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى (۳)	خدا تو را رها نکرده است و مورد بغض خود قرار نداده است.
وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى (۴)	و قطعاً آخرت برای تو بهتر از دنیاست.
وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵)	و قطعاً پروردگارت به زودی به تو عطا می‌کند پس خشنود می‌شوی.
أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى (۶)	آیا تو را یتیمی نیافت پس مأویت داد؟
وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (۷)	و تو را بدون هدایت یافت، پس هدایت کرد؟
وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى (۸)	و تو را فقیر یافت، پس بی‌نیاز کرد؟
فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَر (۹)	پس اما یتیم، پس از او قهر مکن و خوار مگردان
وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَر (۱۰)	و اما سائل، پس او را به زجر مران
وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّث (۱۱)	و اما نعمت پروردگارت، پس آن را بازگو کن.

### مرحله اول: تفکر حول موضوعات سوره

این سوره که در وصف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است از آن جهت برای ما بسیار مهم است که ما را به سیره و روش زندگی و باورهای زیبای ایشان نزدیک می‌کند، و ارکان زندگی فردی و اجتماعی ایشان را به ما معرفی می‌کند. تصور و تصدیق حقایق بیان شده در این سوره، محبت ما را به آن حضرت معطوف داشته و اعتماد ما را به وحی بیش از پیش جلب می‌نماید. برای این منظور ابتدا به تصور در زمینه واژگان سوره می‌پردازیم.

### الف. بررسی واژگان سوره

ضحی	الزمان الذي تشرق فيه الشمس على ناحية، فی قبال العشاء و الليل.	مدت زمانی که خورشید نورش را در آسمان می‌گستراند. در مقابل عشا و شب است.
لیل	أن الليل يطلق على ما يقابل النهار، فإن النهار	روز زمان ممتد از اول طلوع خورشید تا

<p>غروب آن است. در روز نور خورشید گسترده می‌شود در حالی که شب از این نور پوشیده شده و از آن خبری نیست. پس شب در مقابل روز است.</p>	<p>هو الزمان الممتدّ من أوّل طلوع الشمس الی غروبها، و النظر فیه الی الزمان بلحاظ انبساط الضیاء من الشمس، فی قبال اللیل إذا أظلم و غشی النور، فاللیل یقابل النهار.</p>	
<p>جریان یافتن چیزی تا اینکه ثابت شده و استمرار یابد.</p>	<p>هو جریان شیء الی أن یثبت و یتدیم علی حاله.</p>	<p>سجی</p>
<p>دفع کردنی که همراه با شدت، سختی و بدون مدارا است.</p>	<p>هو الدفع بشدّة و عنف.</p>	<p>دعع (ودع)</p>
<p>تنگ گرفتن و شدت عمل به خرج دادن را گویند.</p>	<p>هو التّضیق و التّشدید</p>	<p>قلا</p>
<p>به معنای بعد است. و آخر بر وزن فاعل به معنای چیزی است که بعد می‌آید و آخرت مونث آن است.</p>	<p>هو التّأخّر و هو ما یقابل التّقدّم. فأخّر کفاعل.</p>	<p>اخر (آخره)</p>
<p>أوّل به معنای چیزی است که بعد دارد؛ و اولی مؤنث آن است.</p>	<p>هو التّقدّم بحیث یترتّب علیه آخر</p>	<p>اول (أولی)</p>
<p>دادن چیزی به چیزی به خاطر عظمت یا التزامی که دهنده بر خود قرار داده است، بدون اینکه به ملکیت در آوردن آن را و یا داشتن عوض و ... را از طرف او در نظر داشته باشد. پس در اعطا دو قید دادن و اقتضای نفس (دهنده) وجود دارد.</p>	<p>هو إیتاء شیء لشیء بمقتضی ما فی النفس من عظمه أو التزام، من دون نظر الی جهه تملیک أو غرض أو عوض أو غیرها. فیلاحظ فی الإعطاء قیدان: الإیتاء، و اقتضاء النفس.</p>	<p>عطو (یعطی)</p>
<p>به معنای موافقت میل به آنچه جاری است و با آن مواجه می‌شود، است.</p>	<p>هو موافقه المیل بما یجری علیه و یواجهه.</p>	<p>رضی (ترضی)</p>
<p>دریافت چیزی بر حالتی به وجود آمده و جدید را گویند. این مفهوم دو مفعولی است.</p>	<p>هو إدراک شیء علی حاله حادثه. فیلاحظ فی الأصل قیدان: الإدراک، و حصول حاله حادثه. ثمّ إنّ مفهوم الأصل یقتضی وجود مفعولین.</p>	<p>وجد (یجد)</p>

یتیم (یتیم)	هو انقطاع عما يتعلّق به و انفراد فی ضعف. الیتیم بفقدان الأب المرَبّی المدبّر المدیر لمعیشته و اموره.	قطع شدن از چیزی که به آن تعلق وجود دارد و به تنهایی در ضعف قرار گرفتن را گویند. یتیم کسی است که مربی و سرپرست امور و معیشت خود را از دست داده است.
اوی (اوی)	هو القصد ابتداءً أو عوداً الی مقام مادّیا أو معنویاً بقصد السکنی و الاستقرار أو الاستراحة.	به معنای قصد ابتدایی یا بازگشتی به محل و مقامی مادی یا معنوی برای سکنی گزیدن یا استراحت کردن را گویند.
عیل (عائل)	هو ما یقابل العول، و سبق أن العول عبارة عن استیلاء فی استعلاء، فالعیلة عبارة عن صیورۃ تحت استیلاء و استعلاء، و من آثاره الافتقار و الفاقة و الحاجة.	عیل در مقابل عول است و عول به معنای چیرگی در برتری است. پس عیله به معنای در چیرگی کسی قرار گرفتن است و از آثار آن فقر و نیازمندی است.
غنی (أغنی)	هو ما یقابل الفقر، أی عدم و الاحتیاج.	بر خلاف فقر و نداری و احتیاج است. غنا به معنای بی نیازی است.
سئل (سائل)	هو طلب أمر عن شخص، و المطلوب أعمّ من أن یکون خیراً أو مالا أو علماً أو عطاءً أو شیئاً آخر.	درخواست چیزی اعم از خیر یا مال یا علم یا عطا یا چیز دیگر از کسی است.
قهر (تقهر)	هو إعمال الغلبة، أی الغلبة فی مقام الإجراء و العمل. و سبق أن الغلبة هو تفوق فی قدرة.	اعمال غلبه در مقام اجرا یا عمل را گویند. غلبه به معنای برتری در قدرت است. پس قهر به معنای اعمال غلبه و تفوق در اجرای کاری است.
نهر(تنهر)	هو جریان فی تدافع و قوّة و حدة.	به معنای جریان تدافعی با شدت و حدت است.
نعم (نعمه)	هو طیب عیش و حسن حال.	نعم به معنای زندگی خوش و حال نیک است و نعمت بر وزن فعلة بر نوع خاصی از آن دلالت می کند.
حدث (حدث)	هو تکوّن شیء فی زمان متأخراً.	به معنای به وجود آمدن چیز جدید است.

## ب. تصویرسازی از واژگان

در واژگان این سوره سه دسته واژه قابل رؤیت است: واژه‌های تکوینی مانند شب و روز، واژه‌های مربوط به زندگی اجتماعی مانند یتیم و سائل و واژه‌هایی که قوام آن به وجود خود فرد است مثل تقهر و تنهر. با تفکیک ذهنی این سه دسته می‌توان شئونات انسان را در هر سه بخش بیشتر بررسی کرد. برای این منظور با توجه به مفاهیم و مصادیق یاد شده و نیز در نظر گرفتن سه دسته واژه، نمونه‌های دیگر قابل رؤیت را در ستون هر واژه یادداشت نمایید.

واژه	تصاویر	نمونه‌های دیگر
ضحی	ظهر که در آن نور خورشید همه گستره آسمان را فرا گرفته است.	
لیل	شب که تاریک و ساکت است و نور خورشید ندارد.	
سجی	آرام گرفتن آب دریا.	
دع	چیزی را با اهانت از خود دور کردن.	
قلا	مقلو کسی است که انسان از شدت بغض و دشمنی نسبت به او، نمی‌تواند او را بپذیرد.	
آخرت	عالم آخرت که انسان پس از این دنیا به آن وارد می‌شود.	
خیر	چیزی که انسان به عنوان گزینه بهتر انتخاب می‌کند.	
اولی	عالم دنیا که انسان ابتدا به آن وارد می‌شود.	
عطا	چیزی که بزرگی به کسی بدون حساب هبه می‌کند.	
رضی	خشنودی.	
وجد	چیزی را بر وضع و حالتی یافتن.	
ضالّ	کسی که راه را گم کرده است.	
هدی	راهنمایی کردن.	
یتیم	کسی که سرپرست ندارد.	
آوی	پناه بردن.	
عائل	کسی که از نظر مادی فقیر است.	
غنی	کسی که از نظر مادی توانگر است.	
قهر	غلبه خود بر چیزی را با دلیل کردن کسی به او نشان	

واژه	تصاویر	نمونه‌های دیگر
	دادن.	
سائل	کسی که حوائج مادی خود را از دیگری درخواست می‌کند.	
نهر	تشر زدن.	
نعمت	چیزی که خوب و دلچسب است و انسان از آن لذت می‌برد.	
تحديث	چیز تازه‌ای را برای کسی بازگو کردن.	

### ج. ارتباط بین واژگان سوره

برای ارتباط دادن مفاهیم سوره مبارکه ضحی همانند سوره‌های دیگر، دانستن نقش کلمات در جمله الزامی است. همچنین برای تصویرسازی واژگان سوره لازم است یک بار خود را در جایگاه کلمات تصور کرده و بار دیگر خود را در جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله تصور کرد.

لازم به ذکر است در روایات، مطالعه سوره مبارکه ضحی و سوره مبارکه انشراح با هم توصیه شده است و در تصویرسازی واژگان هر یک از دو سوره، لازم است هر دو سوره با هم در نظر گرفته شوند.

#### ۱. اعراب سوره<sup>۱</sup>

برای در نظر گرفتن نقش کلمات توجه به قالب ادبی سوره توصیه می‌شود این قالب ادبی که اختصاصی سوره است به شرح زیر است:

ابتدا دو قسم با واو وجود دارد:

۱. الضحی

۲. اللیل اذا سجی

سپس دو جمله فعلیه و دو جمله اسمیه با لام تاکید در جواب قسم آمده است:  
فعلیه

۱. ما ودعک

۲. ما قلی

اسمیه با لام تاکید (ل):

<sup>۱</sup> اعراب القرآن و بیانه، ج ۱۰، ص ۵۰۹-۵۱۲

۱. الْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى

۲. سَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى

بعد از آن سه جمله استفهام با همزه وجود دارد:

۱. يَجِدُكَ يَتِيمًا ← أَوَى

۲. وَجِدُكَ ضَالًّا ← هَدَى

۳. وَجِدُكَ عَائِلًا ← اغْنَى

(البته هر یک از این جملات با فاء سه نتیجه را در پی دارند. که در بالا می بینید.)

بعد از آن، سه جمله امر در سوره وجود دارد. این سه امر در سیاق خاصی است که ابتدا با حرف فاء بر سه جمله استفهام قبلی تفریع شده و سپس با کلمه أَمَّا که حرف شرط و تفصیل است بیان می شود. یعنی این سه امر در حقیقت در جواب شرط قرار گرفته اند. دقت کنید:

جملات شرط و جواب شرط:

۱. لَا تَقْهَرْ → أَمَّا الْيَتِيمَ

۲. لَا تَنْهَرْ → أَمَّا السَّائِلَ

۳. حَدِّثْ → أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ

(وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَىٰ) واو حرف قسم و جر و الضحی مجرور به واو قسم است. این جار و مجرور متعلق به فعل قسم محذوف است. و اللیل معطوف بر الضحی است. إذا ظرف جمله سجی در محل جر به دلیل اضافه شدن ظرف به آن است. ما حرف نفی و جواب قسم بوده و این جمله محلی از اعراب ندارد. ودعک فعل ماضی و مفعول به و ربک فاعل برای آن است، و ما قلی عطف بر ما ودعک است.

(وَلِالْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى) واو عاطفه و لام تاکید است و الْآخِرَةُ مبتدأست و خیر خبر آن است. لك متعلق به خیر است و من الأولى نیز متعلق به خیر است.

(وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) واو عاطفه و لام تاکید و جمله سوف يعطيك خبر برای مبتدای محذوف است که در تقدیر أنت است. سوف حرف استقبال و يعطيك ربك فعل مضارع مرفوع و مفعول مقدم بوده و فاعل مؤخر است. فاء عاطفه و ترضی فعل مضارع معطوف بر يعطيك است.

(أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) همزه استفهام و لم حرف نفی و قلب و جزم است. يجدك فعل مضارع مجزوم به لم و فاعل آن ضمیر مستتر و کاف ضمیر متصل در محل نصب و مفعول به اول است که یتیم مفعول به دوم است. فاء حرف عطف و آوی عطف بر ألم يجدك است. وجدك



معطوف و ضالا مفعول به دوم و یا حال است. و وجدک عائلا فأغنی معطوف بر ما قبل و اعرابش مثل آن است.

(فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرَ) فاء تفریع است و أما حرف شرط و تفصیل است. الیتیم مفعول به مقدم برای تقهر است. فاء رابطه در جواب شرط است. لا ناهیه بوده و تقهر فعل مضارع مجزوم و فاعل آن مستتر و در تقدیر انت است.

(وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَر) معطوف بر ما قبل.

(وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ) این نیز معطوف بر ما قبل است. بنعمه متعلق به حدث است.

## ۲. تصویرسازی کلمات در ارتباط با هم

- گسترش تدریجی نور و فراگیری آن در کنار گسترش شب و تاریک شدن همه جا
- کودکی بی سرپرست،
- گمشده‌ای در بیابان
- انسانی نیازمند و پر عائله
- وسعت نیازهای انسان که گسترده می‌شود در کنار وسعت آرامشی که با رفع آن نیازها به وجود می‌آید.
- کسی که به دنبال جایی است تا پناهش دهند.
- کسی که نیازمندی را که به سوی رفع نیاز آمده می‌راند.
- پدری که آغوشش را برای فرزند خویش گشوده است
- راندن و بیرون کردن و تحقیر فقیر
- پناه دادن فقیر
- انسانی دارای نعمت‌های فراوان
- .....
- .....
- .....
- .....

## مرحله دوم: گزاره نویسی

و الضحی و اللیل اذا سجی

- خداوند در برخی از آیات قرآن برای بیان حقایقی، ابتدا قسم یاد کرده و سوگند خورده است.
- همه هستی مخلوق خداست و از آن جهت که بیان کننده حقیقتی است، دارای عظمت بوده و قسم خوردنی است.

• سوگند به پدیده خاصی از طبیعت توسط خداوند، انسان را به تفکر در پیام آن پدیده دعوت می‌کند، برای موفقیت در این تفکر لازم است در خصوص کارکرد آن آیه در هستی و نقش هدایتی آن اندیشه کرد.

• شب و روز دو عامل آشکار سازی و مخفی نمودن اشیا و پدیده‌هاست. همچنین شب و روز خود نمادی از آشکاری و یا نپنهان بودن است. با توجه به این موضوع می‌توان فراز و نشیب‌های زندگی و آشکار و پنهان شدن نیازها را با این دو آیه طبیعی مرتبط دانست.

• همراهی شب و روز بیانگر همراهی نیازها و رفع نیازها، سختی‌ها و راحتی‌ها و ... در زندگی دنیاست.

• .....

• .....

ما ودعک ربک و ما قلی

• خداوند همواره پیامبر صلی الله علیه و آله را تحت حمایت و عنایت‌های ویژه خود قرار داده و در هیچ لحظه‌ای او را طرد یا ترک نکرده و به او بی اعتنا نبوده است.

• هیچ لحظه‌ای در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وجود ندارد که خالی از درک حضور خداوند توسط ایشان باشد.

• سراسر حیات و وجود پیامبر صلی الله علیه و آله خشنودی و رضایت خداوند است.

• برخی از مردم گمان‌های نادرستی درباره ارتباط پیامبر صلی الله علیه و آله با خدا دارند.

• ارتباط پیامبر صلی الله علیه و آله با خدا ارتباطی همیشگی و غیر قابل گسست است چون وحی به عنوان شاخصه اصلی رسالت در ارتباط هر پیامبری با خداست، پس این آیه به بدگمانی برخی از مردم درباره رابطه با پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره داشته و به طعنه و سرزنش آنها دلالت می‌کند و در نتیجه در دفاع و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله است.

• روز و شب در کنار هم نشان دهنده جریان است که اگر هر یک از آنها به تنهایی تصور شود، سیر این جریان از بین خواهد رفت.

• .....

• .....

و للآخره خیر لک من الاولى

• برای پیامبر صلی الله علیه و آله آخرت از دنیا بهتر است. این بدان معناست که وجود دنیا نیز برای پیامبر صلی الله علیه و آله پر منفعت است.

• دنیا به دلیل محدودیت‌هایی که دارد ظرف کاملی برای تحقق خواسته‌ها و آرزوهای الهی پیامبر صلی الله علیه و آله نیست.

• .....

• .....

و لسوف یعطیک ربک فترضی

• رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله مورد توجه خداوند است. این نشان دهنده درجه‌ای عظیم برای ایشان است.

• خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله وعده عطایی می‌دهد که رضایت ایشان را در پی دارد.

• عطایی که به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شده به اعتبار رسالت ایشان و در راستای هدایت مردم است.

• .....

• .....

الم یجدک یتیمًا فآوی

• از اینکه خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را یتیم یافت، مشخص می‌شود که این پیامبر صلی الله علیه و آله است که نیاز یتیمی را در خود یافته است؛ زیرا خداوند دارای حالت نیست و نسبت دادن حالت به خدا حاکی از تغییر در مخلوق است.

• پناه دادن یتیم کاری است که خداوند به انسان‌ها آموخته است.

• وجدان کردن چیزی، از طلب شدید و احساس نیاز جدی به آن خبر می‌دهد.

• نیاز یتیم به ماوا و پناه داشتن است. در صورتی که پناه می‌رسد که در جستجوی ربّ خود باشد و آن را بیابد. در واقع پس از جستجوی ربّ، ربّ خود را به او می‌نمایاند.

• .....

• .....

و وجدک ضالًا فهدی

• پیامبر صلی الله علیه و آله نیز برای هدایت، نیازمند عنایت خداوند است و این موقعی اتفاق می‌افتد که خود را گمشده بیابد. بنابراین اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله خود را گمشده یافته باعث هدایت او شده است.

• نیاز هر گمشده‌ای هدایت است.

• هدایت فقط به وسیله خداوند صورت می‌گیرد.

• کسی که طالب هدایت است به امر و نهی‌های هادی خود گوش می‌دهد.

- .....
- .....

و وجدک عائلا فاغنی

- پیامبر صلی الله علیه و آله به نیازهای حقیقی خود واقف گردیده لذا از غنای الهی بی نیاز شده است.
- نیازهای مختلف انسان غیر از نیاز به سرپرستی و هدایت است.
- .....
- .....

فامًا الیتیم فلا تقهر

- پیامبر صلی الله علیه و آله حتماً یتیم را از خود دور نمی کند.
- کسی که یتیمی خود را بفهمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله التجا کند حتماً مأوا می یابد.
- خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را جانشین خود در سرپرستی یتیم کرده است.
- با اقتدای به پیامبر صلی الله علیه و آله باید از دور ساختن یتیم خودداری کرد.
- .....
- .....

و اما السائل فلا تنهر

- پیامبر صلی الله علیه و آله حتماً سائل را محروم برنمی گرداند.
- کسی که سائل بودن خود را بفهمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله التجا کند حتماً جواب می شنود.
- خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را جانشین خود در اجابت سؤال سائلین کرده است.
- با اقتدای به پیامبر صلی الله علیه و آله باید نسبت به اجابت سائل دریغ نورزید.
- .....
- .....

و اما بنعمه ربک فحدث

- پیامبر صلی الله علیه و آله حتماً از نعمت های الهی با مردم سخن گفته است. بنابراین دقت در مطالب بیان شده از ایشان می تواند در معرفی نعمت های الهی و اولویت هر یک بر دیگری، برای ما بسیار مؤثر باشد.
- بزرگ ترین نعمت پیامبر صلی الله علیه و آله برخورداری از نعمت قرآن (تقلین)، رسالت و هدایت است؛ که آن را تا روز قیامت در اختیار مردم قرار داده اند.
- بهره مندی از نعمت قرآن، رسالت و هدایت قدردانی از نعمت پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان عملی آن است.

- بازگو کردن نعمت‌های خدا از سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است.
- حدیث کردن نعمت‌های خداوند می‌تواند با نشان دادن آن، با گفتن کلامی آن و به طور کلی به زبان یا به عمل باشد.

.....

.....

#### ب. گزاره‌های تفسیر المیزان درباره سوره مبارکه ضحی<sup>۱</sup>

وَ الضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ:

- این دو آیه سوگند به ضحی و لیل است،
- و کلمه «ضحی» به طوری که در مفردات آمده به معنای گسترده شدن نور خورشید است.
- ولی بعدها آن زمانی را که نور خورشید گسترده می‌شود نیز ضحی نامیدند،
- و مصدر «سجی» که فعل سحی مشتق از آن است، وقتی در کلمه لیل استعمال می‌شود، معنای سکونت و آرامش شب را می‌دهد،
- پس «سجی اللیل» آن هنگامی است که ظلمت شب همه جا را فرا گیرد.
- مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ:

- تودیع مصدر فعل «ودع» به معنای ترک است،
- و کلمه «قلی» (به کسره قاف) به معنای بغض و یا شدت بغض است،
- و این آیه جواب دو سوگند اول سوره است،
- و مناسبت نور روز با مسأله وحی، و تاریکی شب با انقطاع وحی بر کسی پوشیده نیست.
- وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ:

- این آیه در معنای ترقی دادن مطلب نسبت به مفاد آیه قبل است،
- و مفاد آیه قبلی موقف کرامت و عنایت الهی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله اثبات می‌کرد،
- در این آیه می‌فرماید تازه زندگی دنیای تو با آن کرامت و بزرگی که داری، و با آن عنایتی که خدای تعالی به تو دارد در برابر زندگی آخرت چیزی نیست،
- و زندگی آخرت تو از دنیایت بهتر است.
- وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ:

- این آیه شریفه آیه قبل را تثبیت می‌کند

<sup>۱</sup> ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۲۲-۵۲۷

<sup>۲</sup> ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۲۲: بیان: بعضی (مجمع البیان) گفته‌اند: چند روزی به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی نشد، به طوری که مردم گفتند خدا با او وداع کرده، در پاسخشان این سوره نازل شد و خدای تعالی به این وسیله آن حضرت را شاد کرد، و در سوره مورد بحث، هم احتمال مکی بودن هست و هم مدنی بودن.

- و [این آیه] می‌فرماید: در زندگی آخرت خدای تعالی آن قدر به تو عطا می‌کند تا راضی شوی،
  - هم عطای خدا را مطلق آورده، و هم رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله را.<sup>۱</sup>  
أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى:
  - این آیه و دو آیه بعدش به بعضی از نعمت‌های بزرگی اشاره می‌کند که خدای تعالی به آن جناب انعام کرده بود،
  - آری رسول خدا صلی الله علیه و آله هنوز در شکم مادر بود که پدرش از دنیا رفت، و دو سال بود که مادرش درگذشت، و هشت ساله بود که کفیل و سرپرستش و جدش عبدالمطلب از دنیا رفت، و از آن به بعد در تحت تکفل عمویش ابوطالب قرار گرفت.<sup>۲</sup>  
وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى:
  - مراد از «ضلال» در اینجا گمراهی نیست، بلکه مراد عدم هدایت است،
  - و منظور از هدایت نداشتن رسول خدا صلی الله علیه و آله، حال خود آن جناب است،
  - و یا صرف نظر از هدایت الهی [آیه] می‌خواهد بفرماید اگر هدایت خدا نباشد تو و هیچ انسانی دیگر از پیش خود هدایت ندارید مگر به وسیله خدای سبحان،
  - پس رسول خدا صلی الله علیه و آله هم، نفس شریفش با قطع نظر از هدایت خدا ضاله و بی راه بود،
  - هر چند که [پیامبر] هیچ روزی از هدایت الهی جدا نبوده و از لحظه‌ای که خلق شده بود ملازم با آن بود،
  - در نتیجه آیه شریفه در معنای آیه زیر است، که می‌فرماید: «مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ»،
  - و از همین باب است کلام موسی که بنا به حکایت قرآن کریم از آن جناب گفته بود: «فَعَلَّتْهَا إِذًا وَ أَنَا مِنَ الضَّالِّينَ»، یعنی هنوز به هدایت رسالت اهتدا نشده بودم.<sup>۳</sup>
- 
- <sup>۱</sup> در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: ولی بعضی از مفسرین گفته‌اند: این آیه ناظر است به هر دو زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله، هم به زندگی دنیایی‌اش، و هم به زندگی آخرتی‌اش.
- <sup>۲</sup> در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: بعضی گفته‌اند: مراد از یتیم در این آیه پدر مرده نیست، بلکه منظور بی‌نظیر بودن است همچنان که در بی‌نظیر را هم در یتیم می‌گویند، و معنای این آیه این است که: مگر نبود که خدا تو را فردی بی‌نظیر از بین مردم دانست، و در نتیجه مردم را دور تو جمع کرد؟
- <sup>۳</sup> در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: قریب به این معنا گفتار بعضی از مفسرین است که گفته‌اند: مراد از ضلالت، از دست دادن علم است، همچنان که در آیه «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»، ضلالت به این معنا آمده، و مؤیدش آیه زیر است که می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ».
- بعضی دیگر گفته‌اند: معنایش این است که خدا تو را در بین مردم گمشده یافت، مردم تو را نمی‌شناختند، و قدرت را نمی‌دانستند، و او مردم را به سوی تو و اینکه چه کسی هستی دلالت و هدایت کرد.
- بعضی دیگر گفته‌اند: این آیه به گم شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله در راه هوازن و مکه اشاره دارد، آن زمان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دامن حلیمه سعدیه دختر ابی ذؤبید بود، و حلیمه به طوری که در روایت آمده می‌خواست وی را به جدش عبدالمطلب برساند، در بین راه متوجه شد که محمد صلی الله علیه و آله نیست.
- بعضی دیگر گفته‌اند: اشاره است به آن واقعه‌ای که در کودکی آن جناب رخ داد، و در دره‌های مکه گم شد.

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي:

- کلمه «عائل» به معنای تهی دستی است که از مال دنیا چیزی ندارد،
- و رسول خدا صلی الله علیه و آله همین طور بود، و خدای تعالی او را بعد از ازدواج با خدیجه دختر خویند (علیها السلام) بی نیاز کرد، و خدیجه تمامی اموالش را با همه کثرتی که داشت به آن جناب بخشید.<sup>۱</sup>

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ:

- راغب می گوید: کلمه «قهر» به معنای غلبه کردن بر کسی است، اما نه تنها غلبه کردن، بلکه غلبه توأم با خوار کردن او، و قهر به یک یک این دو معنا هم گفته می شود.
- وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ:

- کلمه «نهر» که مصدر فعل نهی «لا تنهر» است، به معنای زجر و رنجاندن با غلظت و خشونت است.
- وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ:

- کلمه «تحدیث» که مصدر فعل امر «حدث» است، وقتی در نعمت به کار رود -تحدیث نعمت- به معنای ذکر و یاد آوری و نشان دادن آن است،
- حال [این یادآوری و ذکر و نشان دادن] یا به زبان و یا به عمل [است]،
- و این عمل [تحدیث نعمت] شکر نعمت است،
- و اوامر و نواهی این چند آیه، یعنی خوار نکردن یتیم، و نرنجاندن فقیر، و نشان دادن نعمت، دستور به همه مردم است، هر چند که خطاب متوجه به شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله شده.
- و این آیات سه گانه به خاطر اینکه حرف «فاء» در ابتدای آیه اولی درآمده نتیجه گیری از آیه قبل است که عنایات الهی نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله را می شمرد،
- گویا فرموده:

- تو طعم ذلتی را که یتیم می چشد چشیده ای، و ذلت و شکسته شدن دل او را احساس کرده ای، پس هیچ یتیمی را خوار مشمار، و مال او را هم خوار مدار و در آن تجاوز مکن،
- و نیز تو تلخی گمراهی و احتیاج به هدایت را، و تلخی فقر و تهی دستی را درک کرده ای، پس هیچ سائلی را که از تو می خواهد حاجتش را برآوری از خود مران، حاجتش اگر هدایت است و اگر معاش است برآور،

---

و بعضی آیه را اشاره به داستان گم شدنش در راه شام دانسته اند که با عمویش ابوطالب در کاروان میسره غلام خدیجه به شام می رفت، و در بین راه ناپدید شد.

و بعضی دیگر وجوه دیگری ذکر کرده اند که ضعفش برای هر خواننده ای روشن است.

<sup>۱</sup> در ادامه این بخش در تفسیر می خوانیم: ولی بعضی گفته اند: مراد از اغناء، استجابت دعای آن حضرت است.

○ و تو طعم انعام خدا را بعد از فقر و تهی دستی چشیده‌ای، و ارزش جود و کرم و رحمت خدا را می‌دانی، پس نعمت او را سپاس گوی، و همه جا نعمتش را یادآور شو، و از مردم پنهانش مدار.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> بحث روایی سوره در تفسیر المیزان:

در تفسیر قمی در ذیل آیه «وَالضُّحَى» امام فرموده: ضحی به معنای بلند شدن نور خورشید است، «وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى» یعنی شب در هنگامی که همه جا را تاریک کند.

و در همان کتاب در معنای جمله «وَمَا قَلَى» فرموده: یعنی و تو را دشمن نداشت.

و سیوطی در الدر المنثور در ذیل آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» از ابن ابی شیبیه از ابن مسعود روایت آورده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما اهل بیته هستیم که خدای تعالی برای ما آخرت را بر دنیا برگزید و ترجیح داد، و لذا فرمود: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى».

و در همان کتاب است که عسکری در کتاب «المواعظ» و ابن لال و ابن نجار، از جابر بن عبدالله روایت کرده‌اند که گفت: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر علی و فاطمه وارد شد، دید فاطمه مشغول دستاس کردن است، در حالی که به جای لباس، حله شتر بر خود افکنده، همین که چشمش به او افتاد فرمود: یا فاطمه بشتاب و تلخی دنیا را بچش، برای فردا و نعیم آخرتش، دنبال این جریان بود که آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» نازل شد.

مؤلف: در این روایت دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه خواسته باشد بگوید آیه مذکور نخست به تنهایی بعد از آیات قبلش نازل شد، و بعدها بقیه آیات سوره به آن ملحق گردید، دوم اینکه سوره هم‌اشاره نازل شد، و در خصوص این داستان، آیه مورد بحث دوباره نازل شده باشد.

و در همان کتاب است که ابن منذر و ابن مردویه و أبونعیم - در کتاب الحلیه - از طریق حرب بن شریح روایت کرده‌اند که گفت: من به ابی‌جعفر محمد بن علی بن الحسین (امام باقر) علیه السلام گفتم: به نظر شما این شفاعتی که اهل عراق بر سر زبانها دارند حق است؟ فرمود: آری به خدا سوگند عمویم محمد بن حنفیه از علی بن ابی طالب نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن قدر از اتم شفاعت می‌کنم که خدای تعالی خطاب می‌کند ای محمد آیا راضی شدی؟ عرضه می‌دارم: بلی، پروردگارا راضی شدم. آنگاه رو به من -حرب ابن شریح- کرد و فرمود: شما به اهل عراق می‌گویید: از تمامی آیات قرآن آیه‌ای که بیش از همه امید بخش است آیه زیر است که می‌فرماید: «بِأَعْيَادِ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا؛ ای بندگانم که بر خود ستم روا داشتید، از رحمت خدا مایوس نشوید، که خدا همه گناهان را می‌آمرزد» عرضه داشتم بله، ما اینطور معتقدیم، فرمود: لیکن ما اهل بیت می‌گوییم از همه آیات در کتاب خدا امیدبخش‌تر آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» است، که راجع به شفاعت است.

و در تفسیر برهان از ابن بابویه نقل کرده که وی به سند خود از ابن جهم از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که در مجلس مأمون فرمود: خدای تعالی به پیامبر گرامیش محمد صلی الله علیه و آله فرموده: «أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى»، یعنی تو یتیمی بودی خدای تعالی مردم را دور تو جمع کرد، «وَوَجَدَكَ ضَالًّا» یعنی تو نزد قومت گم شده بودی، «فَهَدَى» یعنی قوم تو را به سوی معرفت تو هدایت نمود، «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» یعنی تو را بی نیاز کرد از این راه که دعایت را مستجاب نمود مأمون چون این تفسیر را شنید گفت: خدا در تو برکت دهد یابن رسول الله (و یا خدا در تو برکت نهاده).

و در همان کتاب از برقی نقل کرده که او به سند خود از عمرو بن ابی نصر نقل کرده که گفت: مردی از اهل بصره برایم حدیث کرد که من حسین بن علی (علیهما السلام) و عبدالله بن عمر را دیدم در خانه کعبه طواف می‌کردند، از ابن عمر معنای آیه



## مرحله سوم: تدبیر در سوره با نزدیک شدن به غرض آن

در این سوره خداوند متعال پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله را معرفی کرده، ایشان را پناه دهنده هر یتیم، آرامش بخش هر سائل و نیز کسی که بازگو کننده نعمت‌های الهی است، می‌شناساند. همچنین سوره با بیان اتصال و ارتباط همیشگی و مداوم پیامبر صلی الله علیه و آله بر اینکه همه دارایی‌ها و امکانات و بهره‌مندی‌های ایشان از جانب خداوند است، تاکید می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که سوره می‌خواهد با اصلاح و نگرش باور مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را برای بهره‌مندی از وجود چنین پیامبری آماده کرده و زمینه‌های لازم را به وجود آورد. این سوره چگونگی و بستر اتصال پیامبر صلی الله علیه و آله به خداوند، و نیز چگونگی و بستر اتصال دیگر انسان‌ها به پیامبر صلی الله علیه و آله را نشان داده است. همچنین نشان می‌دهد تا کسی خود به نیازهای حقیقی‌اش مطلع نشود از مأوا یافتن و هدایت و بی‌نیازی بهره‌ای ندارد. در مجموع به اختصار با تکمیل نکات زیر، خود را به غرض سوره نزدیک می‌کنیم.

۱. مأوا یافتن، هدایت شدن و بی‌نیاز گشتن که از ویژگی‌های قرب به خداوند و بهره‌مندی در دنیا و آخرت است، تنها در صورت وجدان نیازهای متناسب و عرضه آن در پیشگاه ربوبی برای انسان حاصل می‌شود. این درسی است که از زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌توان گرفت.
۲. پیامبر صلی الله علیه و آله با تمام وجود خود و با زندگی و سیره‌اش به هدایت مردم برخاسته است و در همه شئون و وجودی، جانشین خدا برای مردم است. بدین ترتیب اگر انسان‌ها به فقر درونی خود واقف شده و از او سؤال کنند حتماً اجابت می‌شوند.
۳. سه جنبه نیاز هر انسان، یعنی نیاز به عبودیت و رب داشتن، نیاز به هدایت و مالک داشتن، نیاز به برطرف کننده نیاز و اله داشتن، در دنیا و در بستر روز و شب به بی‌نیازی می‌رسد. در این مسیر وحی و نبوت نقش اساسی دارد.
۴. ....

---

«وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» را پرسیدم، گفت: خدای تعالی به آن جناب دستور داده نعمت‌های خدا را حدیث کند و به مردم بگوید.

آنگاه به حسین بن علی عرض کردم منظور از آیه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» چیست؟ فرمود به آن جناب دستور داده که نعمت دین را که خدا به او انعام فرموده با مردم در میان بگذارد.

و در الدر المنثور است که بیهقی از حسن بن علی روایت کرده که در معنای آیه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» فرمود: هر وقت به چیزی رسیدی به برادران ایمانیت اطلاع بده.

و در همان کتاب است که أبو داوود از جابر بن عبدالله روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با نعمتی که به او داده شده مورد آزمایش قرار گیرد و آن را به اطلاع مردم برساند شکرش را به جا آورده و هر کس آن را کتمان کند کفرانش نموده، و هر کس در این باب، بلوف بزند و خود را به چیزی که ندارد و به او نداده‌اند بیاراید مثل کسی است که جامه دروغ به تن کرده باشد.

## جمع‌بندی سوره

می‌توان سؤالات زیر را در جمع‌بندی سوره ارائه کرد:

۱. ارتباط آیات طبیعی سوره و پیامبر صلی الله علیه و آله در چیست؟
۲. ارتباط مضامین مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر مردم در چیست؟
۳. اوصافی که در این سوره برای پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده چیست؟
۴. اوصافی که برای مومنین در این سوره شده چیست؟
۵. غیر مومنین در این سوره چه مشخصاتی دارند؟
۶. از اینکه شب همه جا را فراگرفته و یا روز به پهنای خود رسیده چه برداشتی می‌توان داشت؟
۷. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله هم خود فکر می‌کرده که خداوند او را طرد کرده است؟ چرا؟
۸. به نظر شما عبارت «ودعک و قلی»، همز و لمزی از جانب مشرکین نیست؟
۹. در صورت مثبت بودن جواب فوق ارتباط سوره مبارکه همزه و سوره مبارکه ضحی چیست؟
۱۰. با توجه به نیازهای انسان در سوره مبارکه ضحی، ارتباط این سوره با سوره مبارکه ناس در چیست؟
۱۱. با توجه به سوره، بروزات اجتماعی انسان چگونه در بهره‌مندی او از الطاف الهی تاثیر دارد؟
۱۲. اگر انسان را موجودی فرض کنیم که دارای حیاتی مادی و معنوی است، یتیم بودن انسان از لحاظ مادی و یتیم بودنش از لحاظ معنوی به چه معناست؟ سائل بودنش چگونه؟
۱۳. چه احتمالاتی را برای تحقیق درباره نعمتی که خداوند در سوره، وعده آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دهد و نیز بر اساس سوره می‌دانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله حتما آن را بازگو کرده است، (عملی یا زبانی یا هر دو) می‌دهید؟
۱۴. وضعیت گذشته، حال و آینده پیامبر صلی الله علیه و آله را در سوره بررسی کنید؟
۱۵. ....
۱۶. ....
۱۷. ....
۱۸. ....
۱۹. ....
۲۰. ....

مرحله چهارم: طهارت برای تدبیر (ایجاد طهارت در خود از منظر یکی از موضوعات سوره)

در همین لحظه‌ای که در حال خواندن این سطور هستید، احساس می‌کنید چه چیزهایی را در زندگی کم دارید؟

این کمبودها را لیست کرده، فهرست بندی کنید.

کمبودهای فهرست شده خود را در ذیل کدام یک از نیازهای سوره دسته بندی می کنید؟

با توجه به آنچه فهرست کرده اید سعی کنید با ارتباط با قرآن و به ویژه ارتباط روحی با رسول مکرم اسلام نیازهای خود را به ایشان عرض کنید.

استفاده از شفاعت ایشان و توسل به ایشان در جهت دهی نیازهای ما و نیز برآورده شدن آنها بسیار مؤثر است.

همین روند را در مورد آرزوهایی که دارید، انجام دهید.

حضرت امیرالمومنین علیه السلام پس از اتمام دو رکعت نماز شب عید فطر که در رکعت اول پس از سوره مبارکه حمد هزار مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و در رکعت دوم یک بار می خواند، آنگاه به سجده می رفت و صد بار «اتوب الی الله» می گفت سپس این دعا را می خواند.

یا ذا المنّ و الجود یا ذا المنّ و الطّول یا مصطفی محمّدا صلی الله علیه و اله.

ای دارای نعمت و بخشش، ای صاحب منت و احسان، ای برگزیننده محمد صلی الله علیه و آله.